

رسول پویان

نوروز خونین وطن

نوروز وطن ماتم خونین شده آخر
تاراج گل و قتل ریاحین شده آخر
کوچیده پرستوی وطن با دل پر خون
بلبل، دل آزرده و غمگین شده آخر
آرام نگیرد کسی در شب مهتاب
قتل زهل و غارت پروین شده آخر
پژمرده دیگر خاطره گلشن دیروز
بر دار ستم لاله و نسرين شده آخر
از عشق و وفا سوز دلی بیش نجوید
در سینه مگر صخره سنگین شده آخر
در مزرعه میهن ما جای نباتات
کشت قمه و تیر و تبرزین شده آخر
نوروز که جشن گل سرخ وطن ماست
با خون دل غمزده آذین شده آخر
بر قلعه هندوکش و بابا گذری کن
سیمرغ پر افکنده و پابین شده آخر
در قلب وطن خنجر خونین زده دشمن
شهر و دمن و بادیه رنگین شده آخر
طالب شده تا ملعبه لشکر پنجاب
با مردم ما دشمن دیرین شده آخر
داعش ندارد سر سازش به کس هشدار
تا جانی و غارتگر و بی دین شده آخر
افسوس که خاک وطن از فتنه دوران
بازیچه آمال شیاطین شده آخر
با توطئه و نقشه بیداد جواسیس

خاک وطنم بُشکه بنزین شده آخر
در چنگ تجاوز نشود ملک کس آزاد
این تجربه از خون نگارین شده آخر
از بس که دروغ و چم دنیا شده رایج
گویی که همه جامعه بدبین شده آخر
در جای غذا یا عوض خون و انرژی
آتش به ورید و به شرابین شده آخر
رحمی نکند بر وطن و مردم کشور
بیداد و ستم مشرب و آیین شده آخر
از ارگ نخیزد به جز خائن و بیمار
این کاخ مگر باطل و نفرین شده آخر؟
حب وطن هرگز نبود در دل خائن
گرچه به غلط پالش و تزئین شده آخر
دامان خراسان نشود مأمّن دیوان
خاموش اگر آتش برزین شده آخر

1394/12/29